

بررسی حجاب در قرآن و کتب اربعه و صحاح سته

علیرضا زرشیخی*

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۲۴

محمد شایگان مهر**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱/۲۳

فریبرز حسینجانزاده***

چکیده

این پژوهش در صدد تبیین جایگاه حجاب در کتب اربعه، صحاح سته و قرآن بوده و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این سؤال می‌باشد که حجاب چگونه در کتب صحاح سته، کتب اربعه و قرآن تبیین شده است؟ قرآن کتاب هدایت و راهنمای بشر است که برنامه سعادت انسان در آن ارائه شده است. با رجوع به آیات آن و فهم مطالب و عمل به دستوراتش می‌توان راه کمال را پیمود و به فلاح و رستگاری رسید. یکی از بحث‌هایی که در آیات هدایتگر قرآن بیان شده، رعایت حیا و حجاب است و توجه به آثار و رهاوردهای آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان است. با توجه به موضوع این نتیجه حاصل شد که در قرآن آیاتی به حجاب اختصاص داده شده است و تفاسیر درباره آن آیات شریفه متفاوت است. حجاب یکی از مصادیق عام عفاف می‌باشد، و یکی از عوامل مؤثر در رشد و تعالی جوامع بشری و عاملی برای حفظ گوهر وجودی زن در جامعه است. همچنین حجاب و عفاف به یک معنا بوده و معنای عفاف والاتر از حجاب قرار دارد.

کلیدواژگان: حجاب، قرآن، صحاح سته، کتب اربعه، نفسیر.

* alireza.zarsheikhy@yahoo.com

** shaygan47@gmail.com

*** janzadeh46@gmail.com

* گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر، کاشمر، ایران.

** گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر، کاشمر، ایران.

*** دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر، کاشمر، ایران.

مقدمه

یکی از دستوره‌های عمومی، حکم پوشش برای مردان و زنان است، ولی آنچه که در زمان‌های اخیر حساسیت‌ها را برانگیخته و مسأله‌ساز شده، خصوص حجاب زنان و محدوده آن است. با ورود پدیده تجدد و مباحث روشنفکری به جهان اسلام اعم از جهان عرب و غیرعرب، حجاب بانوان دچار چالشی فراگیر شده و جالب توجه اینکه برخی با دفاع متجددانه از شریعت به مخالفت با شیوه مرسوم و رایج از حجاب پرداخته و با نگاهی متفاوت، آیات و روایات وارده را تفسیر کرده‌اند.

حجاب

حجاب در لغت به معنای پوشش می‌باشد چنانکه ابن منظور در «لسان العرب» بیان نموده است: «حَبَّ: الْحِجَابُ: السُّتْرُ. حَجَبَ الشَّيْءَ يَحْجُبُهُ حَجْبًا وَحِجَابًا وَحَجَبَهُ: سَتَرَهُ. وَقَدْ احْتَجَبَ وَتَحَجَّجَ إِذَا اكْتَنَّ مِنْ وِرَاءِ حِجَابٍ وَامْرَأَةٌ مَحْجُوبَةٌ: قَدْ سَتَرَتْ بِسِتْرِ. وَحِجَابُ الْجَوْفِ: مَا يَحْجُبُ بَيْنَ الْفَوَادِ وَسَائِرِهِ (ابن المنظور، ۱۴۱۴، ج ۱: ۲۹۸).

استعمال کلمه حجاب در مورد پوشش زن اصطلاح نسبتاً جدیدی است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها کلمه ستر به معنی پوشش به کار می‌رفته است. فقها چه در کتاب الصلوة و چه در کتاب النکاح که متعرض این مطلب شده‌اند کلمه ستر را به کار برده‌اند نه کلمه حجاب را. بهتر این بود که این کلمه عوض نمی‌شد و ما همیشه همان کلمه پوشش را به کار می‌بردیم، زیرا چنانکه گفتیم معنی شایع لغت حجاب، پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می‌شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود (مطهری، ۱۳۶۹: ۳۲).

عفاف

واژه "عفاف" به فتح عین، مصدر ماده "عَفَّ" می‌باشد که مصدر دیگر آن "عَفَّة" است و این دو دقیقاً به یک معنا می‌باشند و به جای یکدیگر به کار می‌روند. در باب معنای واژه عفت آمده «أَلْعَفَّةُ الْكَفَّ عَمَّا لَا يَحِلُّ»: خودداری از چیزی است که حلال نباشد. عفت حالت درونی و نفسانی است که توسط آن از غلبه شهوت جلوگیری می‌شود.

همچنین در معنای واژه عفاف چنین آمده است: «خویشترنداری از آنچه حلال و زیبا نیست».

عفاف یعنی آن حالت نفسانی، یعنی رام بودن قوه شهوانی تحت حکومت عقل و ایمان، عفاف و پاکدامنی یعنی تحت تأثیر قوه شهوانی نبودن، مانند آن افرادی که تا در مقابل یک شهوتی قرار می‌گیرند بی اختیار می‌شوند و محکوم این غریزه خود هستند نبودن، این معنای عفاف است (مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام: ۱۵۲).

در قرآن کریم عقیف به شخصی اطلاق می‌شود که خودنگهدار و بامناعت باشد که بر اساس کاربرد قرآنی مفهومی گسترده داشته و به موارد ذیل قابل تقسیم است: عفت در فقر: عبارت است از قناعت‌ورزی و حفظ نفس از رذالت و پستی تا گناهی از وی صادر نشود. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْئَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾
(البقره / ۲۷۳)

«این صدقات از آن بینوایانی است که خود را در طاعت حق محصور کرده‌اند و در طلب قوت ناتوان‌اند و آنچنان در پرده عفاف‌اند که هر که حال ایشان نداند پندارد که از توانگران‌اند. آنان را از سیمایشان می‌شناسی که به اصرار از کسی چیزی نخواهند. و هر مالی که انفاق می‌کنید خدا به آن آگاه است»

آیات حجاب و عفاف

الف. سوره نور آیه ۶۰

﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾

«و بر زنان از کار افتاده‌ای که امید ازدواجی ندارند، گناهی نیست که حجاب و روپوش خود را کنار بگذارند، در صورتی که با زیور و آرایش خویش قصد خودآرایی نداشته باشند. و پاکدامنی برای آنان بهتر است و خدا شنوا و داناست»

تفسیر کشاف

قاعد به معنای کسی است که حیف نمی‌شود و به خاطر کبر سن (بزرگی سن و سال) صاحب بچه نمی‌شود و امید به ازدواج وی نیست، و منظور از شباب، شباب و پوشش ظاهری شامل ملحفه‌ای می‌شود که بر بالای خمار می‌پوشند در حالی که شامل خودآرایی و زیورآلات نباشد و خداوند این زینت را در این آیه بیان می‌فرماید یا اینکه این خودآرایی عمدی نیست و حال آنکه برداشتن زینت برای آنان نیکوتر است و عفت‌ورزی از خودآرایی بهتر است چراکه به دنبال ذکر واژه جایز از واژه مستهتب استفاده شده است و این عفت و پاکدامنی از برترین و نیکوترین اعمال است.

تفسیر کشف الاسرار

ابن مسعود گفت: جامه است بر تن او به دلیل قوله: ﴿خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾، و اراد بها الثياب. ابن عباس گفت سرمه است در چشم، و انگشتری در انگشت و خضاب دست، سعید جبیر و ضحاک و اوزاعی گفتند: روی است و هر دو کف، رب العزه رخصت داد که زنان این قدر از تن خویش پیدا کنند از بهر آنکه عورت نیست در حق آزاد زنان و کشف آن در نماز روا و مرد اجنبی را جایز است که در آن زینت ظاهر نگردد هر گه که از فتنه و شهوت نترسد، و اگر از فتنه ترسد پس جایز نیست او را که نگرد و غضب بصر باید چنانکه الله گفت: ﴿يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ﴾، و قيل ﴿لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾ هی الطيب والثياب المصبوغة الملوثة والخمر الرقاق التي تحكى طول الذوائب و قوله: ﴿إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ یعنی اصوات الخلاخيل. روی عن ابن سيرين قال: كانت النساء يخرجن متنقبات لا يبدين الا نصف عين واحدة فاذا انتهين الى الرجال وقفن.

﴿وَلْيُضِرْنَ بِخُمْرِهِنَّ﴾ ای لیلقین مقالعهن علی جیوبهنّ و صدورهنّ لیسترن بذلک شعورهنّ و صدورهنّ و اعناقهنّ و قرطتهنّ، قالت عائشة: رحم الله نساء المهاجرات لما انزل الله تعالى: ﴿وَلْيُضِرْنَ بِخُمْرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ﴾ شققن مروطنهن فاختمرن به، وقيل كانت قمصهن مفروجة الجيب كالدراعة تبدو منها صدورهن فامرن بسترها، ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾ یعنی الزينة الخفية التي امرن بتغطيتها ولم يبح لهن كشفها في الصلاة ولا للاجنبيين، وهي ما عدا الوجه والكفين، ﴿إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ﴾ جمع بعل وهو المقصود بالزينة، ولعن النبي

السلطاء وهی التي لا تختضب، والمرهء وهی التي لا تکتحل. قال ابن عباس ومقاتل: معناه لا یضعن الجلباب والخمار آلا لأزواجهن، البعولة جمع البعل وهو الزوج، ومنه قول سارة: «و هذا بعلی شیخاً»، وقیل البعولة الحالة وهی المصدر یقال فلان حسن البعولة ای - بارّ بزوجته. اما بعل قوم الیاس فهو اسم صنم وبه سمی بعلبک، ویقال اسم مطبخ سلیمان ومنزل الیاس، والمباعدة مباشرة الرجل المرأة.

ب. سوره احزاب آیه ۵۹

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا رَحِيمًا﴾

«ای پیامبر! به همسرانت و دخترانت و همسران کسانی که مؤمن هستند بگو: چادرهایشان را بر خود فرو پوشند تا بدن و آرایش و زیورهایشان در برابر دید نامحرمان قرار نگیرد»

تفسیر المیزان

کلمه "جلابیب" جمع جلباب است، و آن جامه‌ای است سرتاسری که تمامی بدن را می‌پوشاند، و یا روسری مخصوصی است که صورت و سر را ساتر می‌شود، و منظور از جمله «پیش بکشند مقداری از جلباب خود را» این است که آن را طوری بیوشند که زیر گلو و سینه‌هایشان در انظار ناظرین پیدا نباشد.

﴿ذلك ادنی ان یعرفن فلا یؤذین﴾ یعنی پوشاندن همه بدن به شناخته شدن به اینکه اهل عفت و حجاب و صلاح و سداد نزدیک‌تر است، در نتیجه وقتی به این عنوان شناخته شدند، دیگر اذیت نمی‌شوند، یعنی اهل فسق و فجور متعرض آنان نمی‌گردند.

بعضی از مفسرین در معنای آن گفته‌اند: این پوشیدگی، نزدیک‌تر بودن ایشان به مسلمان بودن و آزاد بودن را می‌شناساند، چون زنان غیر مسلمان، و نیز کنیزان در آن دوره حجاب نداشتند، و حجاب علامت زنان مسلمان بود، و در نتیجه کسی متعرض آنان نمی‌شد، و حتی کسی نمی‌پنداشت که ایشان کنیز و یا غیرمسلمان‌اند، و از ملت یهود و نصاری هستند لیکن معنای اول به ذهن نزدیک‌تر است (ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۱۶: ۵۱).

تفسیر کشاف

در جاهلیت زنان حجاب نداشتند و برای آنکه زنان از آزار و اذیت شبانه در امان باشند برای زنان آزاد و مسلمان پوششی قرار داده شد تا از کنیزکان و غیر مسلمانان باز شناخته شوند و با وجود این پوشش و حجاب دیگر کسی متعرض آنان نشود و بهانه‌ای برای این کار نداشته باشد.

تفسیر نمونه

به دنبال نهی از ایذاء رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) و مؤمنان در آیات گذشته در اینجا روی یکی از موارد ایذاء تکیه کرده و برای پیشگیری از آن از دو طریق اقدام می‌کند: نخست به زنان باایمان دستور می‌دهد که هرگونه بهانه و مستمسکی را از دست مفسده جویان بگیرند، سپس با شدیدترین تهدیدی که در آیات قرآن کم‌نظیر است منافقان و مزاحمان و شایعه پراکنان را مورد حمله قرار می‌دهد.

در قسمت اول می‌گوید: «ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنین بگو روسری‌های بلند خود را بر خویش فرو افکنند تا شناخته نشوند و مورد آزار قرار نگیرند»:

﴿ياايهاالنبي قل لازلواجك وبناتك و نساء المؤمنین يدنین علیهن من جلابیهن ذلک

ادنی ان یعرفن فلا یؤذین﴾

در اینکه منظور از شناخته شدن چیست؟ دو نظر در میان مفسران وجود دارد که منافاتی با هم ندارند. نخست اینکه در آن زمان معمول بوده است که کنیزان بدون پوشیدن سر و گردن از منزل بیرون می‌آمدند، و از آنجا که از نظر اخلاقی وضع خوبی نداشتند گاهی بعضی از جوانان هرزه مزاحم آن‌ها می‌شدند، در اینجا به زنان آزاد مسلمان دستور داده شد که حجاب اسلامی را کاملاً رعایت کنند تا از کنیزان شناخته شوند و بهانه‌ای برای مزاحمت به دست هرزگان ندهند. بدیهی است مفهوم این سخن آن نیست که اوباش حق داشتند مزاحم کنیزان شوند، بلکه منظور این است که بهانه را از دست افراد فاسد بگیرند. دیگر اینکه هدف این است که زنان مسلمان در پوشیدن حجاب سهل انگار و بی اعتنا نباشند مثل بعضی از زنان بی بند و بار که در عین داشتن حجاب آنچنان بی پروا و لاابالی هستند که غالباً قسمت‌هایی از بدن‌های آنان نمایان

است و همین معنی توجه افراد هرزه را به آن‌ها جلب می‌کند. در اینکه منظور از «جلباب» چیست مفسران و ارباب لغت چند معنی برای آن ذکر کرده‌اند: ۱. ملحفه (چادر) و پارچه بزرگی که از روسری بلندتر است و سر و گردن و سینه‌ها را می‌پوشاند. ۲. مقنعه و خمار (روسری). ۳. پیراهن گشاد. گرچه این معانی با هم متفاوت‌اند ولی قدر مشترک همه آن‌ها این است که بدن را به وسیله آن بپوشاند (ضمناً باید توجه داشت «جلباب» به کسر و فتح جیم هر دو قرائت می‌شود. اما بیش‌تر به نظر می‌رسد منظور پوششی است که از روسری بزرگ‌تر و از چادر کوچک‌تر است چنانکه نویسنده «لسان العرب» روی آن تکیه کرده است.

منظور از «یدنین» (نزدیک کنند) این است که زنان جلباب را به بدن خویش نزدیک سازند تا درست آن‌ها را محفوظ دارد، نه اینکه آن را آزاد بگذارند به طوری که گاه و بیگاه کنار رود و بدن آشکار گردد، و به تعبیر ساده خودمان لباس خود را جمع و جور کنند. اما اینکه بعضی خواسته‌اند از این جمله استفاده کنند که صورت را نیز باید بپوشانید هیچ دلالتی بر این معنی ندارد و کم‌تر کسی از مفسران پوشاندن صورت را در مفهوم آیه داخل دانسته است به هر حال از این آیه استفاده می‌شود که حکم «حجاب و پوشش» برای آزاد زنان قبل از این زمان نازل شده بود، ولی بعضی روی ساده اندیشی درست مراقب آن نبودند آیه فوق تأکید می‌کند که در رعایت آن دقیق باشند.

از آنجا که نزول این حکم، جمعی از زنان باایمان را نسبت به گذشته پریشان می‌ساخت، در پایان آیه می‌افزاید: «خداوند همواره غفور و رحیم است». هرگاه از شما تا کنون در این امر کوتاهی کرده چون بر اثر جهل و نادانی بوده است خداوند شما را خواهد بخشید، توبه کنید و به سوی او بازگردید، و وظیفه عفت و پوشش را به خوبی انجام دهید.

به دنبال دستوری که در آیه پیش به زنان باایمان داده شد به بعد دیگر این مسأله یعنی فعالیت‌های موزیانه اراذل و اوباش پرداخته می‌گردد: «اگر منافقان و کسانی که در قلبشان بیماری است و نیز کسانی که اخبار دروغ در مدینه پخش می‌کنند دست از کارشان برندارند ما تو را بر ضد آنان می‌شورانیم، و بر آن‌ها مسلط خواهیم ساخت، سپس جز مدت کوتاهی نمی‌توانند در کنار تو در این شهر بمانند».

تفسیر کشف الأسرار

﴿إِيَّاكُمْ وَأَذَى الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ حَبِيبٌ رَبُّهُ أَحَبُّ إِلَهِ فَاحْتَبَهُ وَغَضِبَ لِرَبِّهِ فَغَضِبَ اللَّهُ لَهُ وَإِنَّ اللَّهَ

يُحَوِّطُهُ وَيُؤَذِي مَنْ يُؤَذِيهِ﴾

ضحاک و کلبی گفتند: این آیت در شأن قومی از منافقان فرو آمد ازین زانیان و فاجران که هر شب بیرون می آمدند و در کوی های مدینه به راه کنیزکان که به طلب آب بیرون آمده بودند یا به قضاء حاجت و تعرض آن کنیزکان می کردند و در میان ایشان آزاد زنان می بودند که از تعرض آن منافقان رنجور می گشتند و هرچند که آن منافقان در طلب آن کنیزکان برمی خاستند اما آزاد زن و کنیزک از هم باز نمی شناختند که زی ایشان و کسوت ایشان هر دو یکسان بود، آن آزاد زنان این قصه با شوهران خویش باز گفتند و کراهیت نمودند و شوهران با رسول خدا باز گفتند و رب العزة در شأن ایشان این آیت فرستاد، پس آزاد زنان را نهی کردند که به شبه کنیزکان روی گشاده از خانه بیرون آیند ایشان را فرمودند تا گلیم های سیاه در سر کشیدند و به چادرها روی های خود بپوشیدند و در شأن ایشان این آیت فرستادند: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ جَمْعُ الْجَلَابِيبِ﴾ وهو الملاءة التي تشتمل بها المرأة فوق الدرع و الخمار یعنی یرخین اردیتهن و ملاحفهن فیتقنن بها و یغطین رؤوسهن و وجوههن الا عینا واحدة (کشف الأسرار و عدة الأبرار، ج ۸: ۸۹).

تفسیر سوره آبادی

پوشیدن را علامت آزادان نهاد تا بدانند که ایشان آزادند ایشان را نرنجانند «وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»: و بود و هست خدای تعالی آمرزگار و بخشاینده مر تایبان را و پرهیزکاران را از زنا و حرام. گفته اند معناه غفورا رحیما للإمام ان اگرههن علی الزناء بعد التحريم. در اخبار است که زنی نزدیک رسول آمد گفت: «یا رسول الله، من رسول همه زنانم به تو، هرچه من گویم همه ایشان گفته باشند». رسول گفت: «بیار تا چه پیغام داری». گفت: «یا رسول الله، زنان می گویند خدا تو را رسول فرستاده است به مردان و زنان، چنانکه مردان به تو ایمان آوردند ما ایمان آوردیم و چنانکه ایشان نماز می کنند ما همی کنیم و چنانکه ایشان روزه می دارند ما همی داریم و چنانکه ایشان زکات می دهند ما همی

می‌دهیم و باز آن شوهران را خدمت می‌کنیم رنج ایشان می‌کشیم و فرزندان ایشان را می‌داریم و رنج ایشان می‌کشیم و چون به سفر شوند ایشان را خلیفتی می‌کنیم و ایشان را جماعت از پس جماعت و غزو از پس غزو و مجلس از پس مجلس می‌یابند و ما از آن بی نصیب». پیغامبر علیه السلام یاران را گفت: «نگه کنید هرگز پیغام گزاردنی شنیدید و سخنی نیکوتر از این؟»، آنکه گفت: «ای خواهر خبر از من به زنان امت من برسان که در خانه نشستن شما و حق شوهران گزاردن شما را بهتر و فاضل تر از حج حاجیان و غزو غازیان و جهاد مجاهدان و جماعت جماعت کنندگان و از همه کارهای مردان».

ج. سوره نور آیه ۳۰

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾

«به مردان مؤمن بگو: چشمان خود را از آنچه حرام است مانند دیدن زنان نامحرم و عورت دیگران فرو بندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند، این برای آنان پاکیزه‌تر است، قطعاً خدا به کارهایی که انجام می‌دهند آگاه است»

تفسیر مجمع البیان

به مؤمنین بگو که چشم خود را از آنچه دیدنش حلال نیست بپوشند و فروج خود را از آنچه روا نیست و از فاحشه‌ها حفظ کنند.

ابن زید می‌گوید: هر جا در قرآن کریم حفظ فروج ذکر شده، مقصود خودداری از زناست. مگر اینجا که منظور پوشش است تا کسی به فرج ایشان نگاه نکند. از امام صادق (ع) نیز روایت شده است: «برای مرد حلال نیست که به فرج برادر خود نظر کند و برای زن حلال نیست که به فرج خواهر خود نظر افکند».

﴿ذَلِكَ أَزْكَ لَهُمْ﴾: این روش برای دین و دنیای آن‌ها نافع‌تر و برای پاک ماندن از تهمت مفیدتر و به تقوی نزدیک‌تر است.

﴿إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾: خدا به هر نوع کرداری که از آن‌ها سرزند، آگاه است (طبرسی، ۱۷: ۱۲۸).

تفسیر کشاف

چراکه محارم به مو، سینه، و بسیاری دیگر از اعضای بدن بانوان نگاه می‌کنند و اشکالی در آن نیست و همچنین این امر شامل کنیزکان نیز می‌شود اما به زنان بیگانه و نامحرم فقط می‌توان به چهره و کف دستان و پاهای آنان نگاه کرد.

تفسیر کشف الأسرار

﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ﴾ عَمَّا لَا يَحِلُّ، ﴿وَيَحْظُنَّ فُرُوجَهُنَّ﴾ ای یسترنها حتی لا یراها احد.

روی عن ام سلمة إنها كانت عند رسول الله (ص) وميمونة اذ اقبل ابن ام مكتوم فدخل عليه وذلك بعد ما امرنا بالحجاب، فقال رسول الله (ص): احتجبا عنه، فقلنا يا رسول الله أليس هو أعمى لا يبصرنا؟ فقال رسول الله أفعمياوان انتما الستما تبصرانه؟ ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾ یرید بالزينة موضع الزينة، یعنی لا يظهرن موضع زينتهن لغیر محرم، معنی آن است که یا محمد زنان را فرمای تا چشم‌ها فرو گیرند از نامحرم و ناپسند، و فرج‌ها نگه دارند از حرام، و عورت خویش پوشیده دارند چنانکه دیده کس بر آن نیفتد، و آرایش خویش و آنچه بر آن زیور و زینت است بر نامحرم پیدا نکنند، و مراد به این زینت خفی است نه زینت ظاهر، قلاده است در گردن و گوشوار در گوش و دستینه در دست و خلخال و خضاب بر پای، این زینت و زیور خفی روا نیست ایشان را که پیدا کنند بر نامحرم و اجنبی، اما زینت ظاهر که رب العالمین مستثنی کرد.

حجاب و عفاف در کتب اربعه و صحاح سته

حجاب در اصول کافی

سپاسگزاری و در مقابلش کفران و نمک نشناسی، چشم‌داشت و در مقابلش نومید شدن، توکل به خدا و در مقابلش آز و حرص، نرم‌دلی و در مقابلش سخت‌دلی، مهر و در مقابلش کین، دانائی و در مقابلش نادانی، زیرکی و در مقابلش کودنی، عفت و پارسائی و در مقابلش هتک و هرزگی، زهد و در مقابلش دنیاپرستی، خوشخوئی و در مقابلش بدخوئی، بیم از حق و در مقابلش بی‌باکی، فروتنی و در مقابلش تکبر، آرامی و در

مقابلش شتاب‌زدگی، بردباری و در مقابلش سبکی و جلفی، کم‌گوئی و در مقابلش پرگوئی، پذیرفتن و در مقابلش سرکشی، باور کردن و در مقابلش شک و تردید، شکیبائی و در مقابلش بیتابی، چشم‌پوشی و گذشت و در مقابلش انتقام و بازخواست، خودداری و در مقابلش خود باختن و نیازمندی، تذکر و یادآوری و در مقابلش سهو بی‌التفاتی، حفظ و در مقابلش فراموشی، مهرورزی و در مقابلش بی‌علاقگی، قناعت و در مقابلش حرص، همراهی و در مقابلش دریغ، دوستی و در مقابلش دشمنی، وفاداری و در مقابلش پیمان‌شکنی، فرمانبری و در مقابلش نافرمانی، خود نگهداشتن و در مقابلش دست اندازی و گردنکشی، سلامت نفس و در مقابلش ماجراجوئی، محبت و در مقابلش بغض، راستی و در مقابلش دروغ‌زنی، درستی و در مقابلش بیهودگی، امانت و استواری و در مقابلش خیانت و نادرستی، اخلاص در عمل و در مقابلش غرض‌رانی، شهامت و کارپردازی و در مقابلش کندفهمی و کندکاری، [آبفهمی و در مقابلش نفهمی، معرفت و حق‌شناسی و در مقابلش انکار و حق‌نشناسی]، رازداری و مدارا و در مقابلش سر فاش کردن و آشوبگری، یکره‌ئی و حفظ غیب و در مقابلش دوروئی و مکر، پرده‌پوشی و سر نگهداری و در خدا که روایت کنند گفت‌وگو کردم، فرمود: خورشید یک هفتادم نور کرسی است و کرسی یک هفتادم نور عرش و عرش یک هفتادم نور حجاب و حجاب یک هفتادم نور پرده ربوبیت، اگر راست می‌گویند دیده خود را از خورشید عریان بی‌ابر پر کنند (أصول الکافی، ترجمه کمره‌ای، ج ۱: ۴۸۸: باب عقل و جهل).

هر طاعت و ترک هر معصیت ناگزیر باشد جبر لازم آید و بر این عمل اجباری و اضطراری اثر ایمانی مرتب نشود و چنانچه جبر در طاعت و معصیت هر دو که عقیده جبریه است باطل است جبر در طاعت و ترک معصیت هم که مکلف در وضع اضطراری قرار گیرد باطل است، مثلاً اگر خدا به مجرد اراده خلاف، بنده را مسلوب الاختیار کند مصلحت تکلیف باطل گردد و چنانچه اعمال قدرت از طرف خدا در جلب عبد به طاعت و منع از معصیت منافی اختیار است که شرط تکلیف است و مصلحت تکلیف را باطل می‌کند، همین‌طور رفع حجاب میان عبد و رب و رؤیت بالعیان خدا منافی اختیار تکلیف به ایمان قلبی است و مصلحت آن را باطل می‌کند. خلق را از روی نیاز نیافریده است پس مبرا از این کیفیات و محدودیت‌ها است. جنب در لغت به معنی همجوار و نزدیک

است و امیرالمؤمنین از نظر قرب به خدا جنب الله است. حاجب وسیله میان خلیفه و مردم بوده است و به توسط او عرائض و حوائج به خلیفه می‌رسیده و از طرف خلیفه به وسیله او دستورات و جوائز به مردم می‌رسیده و به اعتبار اینکه پیغمبر واسطه میان خلق و حق است، او را به عنوان حجاب الله توصیف کرده است (أصول الکافی، ترجمه کمره‌ای، ج ۲: ۲۹: باب ناچاری و نیازمندی به امام حجت: ۱۵).

آنچه مانع از معرفت خدا و معرفت رسل او باشند و آن کفر است و کبیره از گناهان بالاتر از کفر نیست چنانچه فضیلتی بالاتر از ایمان نیست با همه مراتبی که در اینجا هست از قوی و ضعیف زیرا حجاب میان بنده و خدا همان جهل است و زیر دست جهل به حقائق ایمان، یعنی کفر ایمنی از مکر خدا و نومیدی از رحمت او است زیرا آن هم بایی است از جهل به خدا بلکه عین آن است، هر که خدا را شناخت تصور نمی‌رود که از مکر او در امان باشد (همان، ج ۵: ۶۷۶: شرح‌ها: ۵۹۱).

حسن بن جهم بر موسی بن جعفر علیهما السلام وارد شد و آن حضرت محاسن خود را به وسمه یا مورد خضاب نموده بود، و فرمود: همانا در خضاب پاداشی است و خضاب و زینت کردن در بدن و لباس از جمله چیزهایی است که خداوند عزّ و جلّ به واسطه آن در عفت و صلاح زنان می‌افزاید، و به تحقیق پاره‌ای از زنان ترک عفت کرده‌اند به دلیل آنکه شوهرانشان آراستگی ظاهر و زینت و نظافت بدن را رها کرده بودند، پس حسن بن جهم (راوی) به آن حضرت عرض کرد: ما شنیده‌ایم که حنا موجب زیادی پیری می‌شود (یا حنا موجب سفید کردن پیش از موعد موها است)، وفات یافت در حالی که میان چادر شبی پیچیده شده بود دستور دادم که رویش کنار زده شود بعد پیشانی و ذقن و گلوی او را بوسیدم و امر کردم رویش را بپوشانند، باز گفتم رویش را باز کنید و دوباره همان مواضع را بوسیدم و دستور دادم رویش را بپوشانند و غسلش دهند، بعد در حالی که کفن شده بود (ترجمه من لا یحضره الفقیه، ج ۱: ۲۲۶: کفن کردن میت و ترتیبات آن: ۲۰۶).

پرسیدند هرگاه زن جز یک چادر نداشته باشد چگونه نماز گزارد؟ آن حضرت فرمود: اندام خود را در همان چادر می‌پیچد و سرش را می‌پوشاند و نماز می‌کند، و اگر پاهایش برهنه بیرون ماند، و چیز دیگری نیز برای پوشانیدن آن‌ها نیافت اشکالی ندارد (ترجمه

من لا يحضره الفقيه، ج ۲: ۲۴: باب در بیان آدابی که زنان به هنگام نماز باید رعایت کنند: (۲۲).

عبد الله بن أبي يعفور گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم عدالت شخص، میان مسلمانان با چه میزان شناخته می‌شود تا قبول شهادتش له و یا علیه آن‌ها جایز باشد؟ فرمود: ظاهر نبودن عیبی که منافی عدالت باشد، و پاکدامنی و خودداری در مقام خوردن و شهوت و دست نیازیدن به مال غیر و نگهداری زبان از ناشایست و نابایست، و این‌ها همه شناخته می‌شود به ترک کبائری که خداوند وعده آتش بدان داده است، مثل شرابخواری و عمل منافی عفت و رباخواری، و آزار پدر و مادر، و فرار از جبهه جنگ بدون اذن امام، و سایر کارهای مانند این‌ها، و آنچه بر همه این‌ها دلیل است آن است که از زشتی‌ها چنان خود را محفوظ نگهدارد که بر مسلمانان حرام باشد پاره‌ای از لغزش‌ها و اشتباهات را در غیبتش بازگویند و یا از باطنش تفتیش کنند و بر آن‌ها واجب باشد که در همه جا از او دفاع کنند یعنی اگر کسی نسبت ناروایی به او داد از حقیقتش دفاع کنند و عدالتش را بر دیگران گوشزد نمایند، و او را متعهد به حضور (ترجمه من لا يحضره الفقيه، ج ۴: ۵۷: باب آنکه شهادتش رد و آنکه شهادتش پذیرفته شود: ۵۲).

حجاب در صحاح سته

لباس گُلداری، نقش دار و عبا

«عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ أَحَبَّ الثِّيَابِ إِلَى النَّبِيِّ (ص) أَنْ يَلْبَسَهَا الْحَبْرَةَ» (بخاری، ج ۱۳: ۵۸).

ترجمه: «انس بن مالک می‌گوید: محبوب‌ترین پارچه نزد نبی اکرم (ص) برای پوشیدن، بُردِ یمانی سبز رنگ بود.»

«عَنْ عَائِشَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ (ص): أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) حِينَ تُوْفِّيَ سَجَّى بِبُرْدٍ حَبْرَةَ» (همان)
ترجمه: «عایشه همسر گرامی نبی اکرم (ص)؛ می‌گوید: هنگامی که رسول الله (ص) وفات یافت با یک چادر سبز یمنی پوشانده شد.»

«عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَهُوَ يُحَدِّثُ عَنْ فِتْرَةِ الْوَحْيِ فَقَالَ فِي حَدِيثِهِ: «بَيْنَا أَنَا أَمْشِي سَمِعْتُ صَوْتًا مِنَ السَّمَاءِ فَرَفَعْتُ بَصْرِي قَبْلَ السَّمَاءِ فَإِذَا الْمَلِكُ الَّذِي جَاءَنِي بِحِرَاءٍ قَاعِدٌ»

عَلَى كُرْسِيِّ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، فَرَعِبْتُ مِنْهُ فَجِئْتُ أَهْلِي فَقُلْتُ زَمَلُونِي، زَمَلُونِي، فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ﴿۱﴾ قُمْ فَأَنْذِرْ ﴿۲﴾﴾ إِلَى قَوْلِهِ: ﴿وَالرَّجْزَ فَاهْجُرْ ﴿۳﴾﴾ فَحَمِيَ الْوَحْيُ وَتَتَابَعَتْ ﴿﴾ (بخاری: ۴).

ترجمه: «از جابر بن عبدالله انصاری روایت است که رسول الله (ص) در حالی که درباره فترت (زمان انقطاع) وحی سخن می‌گفت، فرمود: «روزی، در مسیر راه، صدایی به گوشم رسید، سرم را بلند کردم، دیدم همان فرشته‌ای است که در غار حرا نزد من آمده بود. او روی کرسی‌ای که میان زمین و آسمان قرار داشت، نشسته بود. با دیدن آن صحنه، دچار ترس شدم. به خانه برگشتم و گفتم: چادری روی من بیندازید. آنگاه این آیات از طرف پروردگار، نازل شد: «ای کسی که بر خود چادر پیچیده‌ای! برخیز! او مردم را از معصیت خدا [برحذر دار و بزرگی و کبریایی پروردگارت را بیان کن و لباس‌هایت را پاکیزه نگاه دار. پلیدی‌ها و بت‌ها را رها کن. بعد از این، سلسله وحی ادامه یافت و پی در پی، وحی نازل گشت.»

«عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي أَسْمَعُ مِنْكَ حَدِيثًا كَثِيرًا أَنْسَاهُ، قَالَ: «إِسْطُ رِذَاءِكَ». فَجَسَّطْتُهُ، قَالَ: فَغَرَفَ بِيَدَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: «ضُمَّهُ». فَضَمَّمْتُهُ، فَمَا نَسِيتُ شَيْئًا بَعْدَهُ» (بخاری: ۱۱۹).

ترجمه: «ابوهریره رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می‌گوید: عرض کردم: ای رسول خدا! بسیاری از سخنانی را که از شما می‌شنوم، فراموش می‌کنم. آنحضرت (ص) فرمود: «چادرت را پهن کن». من چادرم را پهن کردم و ایشان دو مشت در آن گذاشت و سپس فرمود: «آن را جمع کن». من آنرا جمع کردم. بعد از آن، چیزی را فراموش نکردم.»

«وَعَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ: بَيْنَا أَنَا مَعَ النَّبِيِّ (ص) مُضْطَجِعَةً فِي خَمِيصَةٍ، إِذْ حَضَتْ، فَأَنْسَلْتُ، فَأَخَذْتُ ثِيَابَ حَيْضَتِي، قَالَ: «أَنْفِسْتِ؟» قُلْتُ: نَعَمْ، فَدَعَانِي، فَأَضْطَجَعْتُ مَعَهُ فِي الْخَمِيصَةِ» (بخاری: ۲۹۸).

ترجمه: «ام سلمه می‌گوید: با رسول الله (ص) در یک چادر، خوابیده بودم که دچار قاعدگی شدم. آهسته، خود را بیرون کشیدم و لباس حیض پوشیدم. رسول الله (ص) پرسید: «آیا دچار قاعدگی شدی؟» گفتم: بلی. آن حضرت (ص) دوباره مرا فراخوند و من با ایشان در همان چادر خوابیدم.»

اگر لباس، تنگ باشد:

«عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: خَرَجْتُ مَعَ النَّبِيِّ (ص) فِي بَعْضِ أَسْفَارِهِ، فَجِئْتُ لَيْلَةً لِبَعْضِ أَمْرِي، فَوَجَدْتُهُ يُصَلِّي، وَعَلَى ثَوْبٍ وَاحِدٍ، فَاسْتَمَلْتُ بِهِ، وَصَلَّيْتُ إِلَى جَانِبِهِ، فَلَمَّا أَنْصَرَفَ قَالَ: «مَا السَّرِيُّ يَا جَابِرُ؟» فَأَخْبَرْتُهُ بِحَاجَتِي، فَلَمَّا فَرَعْتُ قَالَ: «مَا هَذَا الْاِسْتِمَالُ الَّذِي رَأَيْتُ؟» قُلْتُ: كَانَ ثَوْبٌ، قَالَ: «فَإِنْ كَانَ وَاسِعًا فَالْتَحِفْ بِهِ، وَإِنْ كَانَ ضَيِّقًا فَانْتَرِزْ بِهِ» (بخاری: ۳۶۱).

ترجمه: «جابر بن عبد الله می گوید: در یکی از سفرها، همراه رسول خدا (ص) بودم. شبی برای کار شخصی خود، نزد رسول الله (ص) رفتم. آن حضرت (ص) مشغول نماز خواندن بود. من فقط یک قطعه لباس داشتم که خود را در آن پیچیده بودم. کنار آن حضرت (ص) به نماز ایستادم. پس از اتمام نماز، رسول الله (ص) فرمود: «ای جابر! در این هنگام از شب چرا آمده‌ای؟» من منظورم را برای رسول الله (ص) بیان کردم. آنگاه رسول الله (ص) فرمود: «چرا خود را چنین در چادر پیچیده‌ای؟» عرض کردم: ای پیامبر خدا! همین یک قطعه پارچه را داشتم (و چاره‌ای جز این نداشتم). رسول الله (ص) فرمود: «اگر پارچه بزرگ است، آن را دور خود بپیچان و اگر کوچک است، به جای شلوار از آن استفاده کن.»

«عَنْ سَهْلِ قَالَ: كَانَ رَجُلٌ يُصَلُّونَ مَعَ النَّبِيِّ (ص) عَاقِدِي أُرْهِمَ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ، كَهَيْئَةِ الصَّبِيَّانِ، وَيُقَالُ لِلنِّسَاءِ: «لَا تَرْفَعْنَ رُءُوسَكُنَّ حَتَّى يَسْتَوِيَ الرَّجَالُ جُلُوسًا» (بخاری: ۳۶۲).

ترجمه: «سهل می گوید: مردانی با رسول الله (ص) نماز می خواندند که ازارهای خود را (که به جای شلوار از آن‌ها استفاده می کردند) مانند کودکان بر گردن‌های خود، بسته بودند. آن حضرت (ص) خطاب به زنان فرمود: «تا وقتی که مردان، سر از سجده برداشته‌اند، شما سر از سجده بردارید.»

افتراق و تشابه تشیع و تسنن در حجاب

دیدگاه تشیع و تسنن در رابطه با نامحرم به این صورت است که زن باید غیر از صورت و دستان تا مچ سایر قسمت‌های بدن خود را بپوشاند. در مذهب شافعیه معتقدند که صورت و دستان را نیز باید از نامحرم بپوشاند. برخی از اهل سنت معتقدند که زن در

خلوت و تنهایی باید بین ناف و زانوهای خود را بپوشاند، مگر موارد ضروری مانند حمام و... ولی در مذهب شیعه چنین نمی‌گوید. اهل سنت می‌گویند که زن مسلمان در برابر زن غیر مسلمان، باید تمام بدن خود به جز صورت و دست‌ها را بپوشاند که شیعه چنین نمی‌گوید. در مذهب حنابله می‌گویند در نماز زن باید تمام بدن به جز صورت را بپوشاند، ولی شیعه و برخی از اهل سنت می‌گویند در نماز برای زن پوشیده بودن صورت و دست‌ها تا مچ واجب نیست. در مذهب حنابله می‌گویند: زن مسلمان باید در برابر زنان دیگر، چه مسلمان باشند یا کافر، از ناف تا زانوها را بپوشاند، ولی نوع فقهای شیعه می‌گویند زن در برابر زنان، باید عورتین خود را بپوشاند. اهل سنت می‌گویند: زن در برابر محارم مرد مانند پدر، برادر و... باید از ناف تا زانوها بپوشاند، ولی بیش‌تر فقهای شیعه می‌گویند پوشاندن عورتین کافی است. البته در رابطه با پوشیده بودن بدن زن در برابر مردانی که محرم او هستند، در بین اهل سنت نیز اختلاف است. مالکیه می‌گویند فقط می‌تواند صورت و دست و پا و سر و گردن را نپوشاند. سایر قسمت‌های بدن را باید بپوشاند (عبدالرحمن الجزیری، ج ۱: ۱۹۰-۱۹۲).

نتیجه بحث

با توجه به مطالب ارائه شده در این تحقیق می‌توان گفت که قرآن کریم تأکید فراوانی به لزوم حفظ حجاب برای زنان دارد. با تأمل در قرآن کریم به این نتیجه می‌رسیم که چنین تأکیدی از سوی قرآن کریم خالی از دلیل نیست و مهار میل به خودنمایی از جمله این دلایل است. همان‌طور که مشخص شد بین حجاب و عفاف تفاوت وجود دارد. حجاب در معنای خاص خود به معنای پوشش خاص برای بانوان به جهت حفظ، گوهر، وجود به کار رفته اما عفاف معنایی عام‌تر از آن دارد و خودداری از هر عملی که موجب کسر حرمت شخصی می‌شود از مصادیق عفاف می‌باشد. در مورد حجاب لازم است زنان جامعه اسلامی پوشش خود را به گونه‌ای بر چهره افکنند تا چهره و اطراف بدنشان را بپوشانند. وجوب حجاب درباره برخی از زنان همچون زنانی که امیدی به شوهرکردن ندارند به شرطی که مفسده‌ای به دنبال نداشته باشند رفع شده است و چنین زنانی مصداق وجود حجاب نیستند. با توجه به رویکرد این تحقیق در خصوص نگاه به حجاب

در کتب اربعه و صحاح سته می‌توان گفت وجه اشتراک همه شریعت‌ها در مسأله حجاب دو امر است. یکی اینکه در همه ادیان الهی، حجاب و پوشش به تناسب میان افراد جامعه وجود داشته است. دیگر آنکه در همه ادیان الهی اصل تشریح و وجوب حجاب امری مسلّم و یقینی است و وجه افتراق را فقط می‌توان در نوع پوشش مطرح کرد.



کتابنامه

- ابن ابی حاتم، ابراهیم بن موسی. ۱۴۱۵ق، **الموافقات فی اصول الشریعة**، چاپ اول، بیروت: دار المعرفة.
- ابن منظور، جمال الدین. **لسان العرب**، ۱۴۱۴ق، بیروت: دار صادر.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو. ۱۴۱۹ق، **تفسیر القرآن العظیم**، بیروت: دار الکتب العلمیه - منشورات محمد علی بیضون.
- آشنایی، محمد. ۱۳۸۳ش، **حجاب در عصر ما**، بی جا: نشر شاهد.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. ۱۳۷۵ش، **صحیح بخاری**، ترجمه عبدالعلی نور احراری، چاپ سوم، بی جا: انتشارات جام.
- خمینی، روح الله. ۱۳۷۶ش، **چهلم حدیث**، تهران: چاپ کوثر.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۳۷۹ش، **المفردات فی غریب القرآن**، بی جا: چاپ منظر.
- رضایی، محمد. ۱۳۸۳ش، **فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی**، تهران: نشر سروش.
- زحیلی، خالد عبدالرحمن. ۱۴۰۶ق، **اصول التفسیر وقواعد**، چاپ دوم، بیروت: دار التفاضل.
- زمخشری، عادل بن علی. ۲۰۱۰م، **التفسیر العلمی التجربی للقرآن الکریم: جذوره و تطبیقاته والموقف منه**، الرياض: مدار الوطن للنشر.
- سیوطی، کارم السید. ۱۴۱۵ق، **الاشارات العلمیه فی القرآن الکریم بین الدارسة والتطبیق**، چاپ اول، القاهرة: دار الفكر العربی.
- الشاطبی، ابراهیم بن موسی. ۱۴۱۵ق، **الموافقات فی اصول الشریعة**، چاپ اول، بیروت: دار المعرفة.
- طباطبایی، محمدحسین. بی تا، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: جامعه المدرسین فی الحوزة العلمیه.
- الطبری، ابو جعفر محمد بن جریر. ۱۴۱۲ق، **جامع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دار المعرفة.
- طریحی، فخر الدین. ۱۳۷۵ش، **مجمع البحرین**، بی جا: چاپ حیدری.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. ۱۳۶۹ش، **العين**، بی جا: نشر گمره.
- الکلینی، محمد بن یعقوب الکلینی. ۱۳۶۴ش، **أصول الکافی**، ترجمه محمداقرا کمره‌ای، بی جا: چاپ پویا.
- مطهری، علی. ۱۳۷۰ش، **مسأله حجاب**، بی جا: چاپ کوشا.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۸ش، **تعلیم و تربیت در اسلام**، تهران: چاپ کوشا.
- معین، محمد. ۱۳۷۵ش، **فرهنگ فارسی**، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- مهریزی، مهدی. ۱۳۷۹ش، **از اسلام چه می‌دانیم؟**، قم: چاپ قطره.